

## مدل‌سازی معادلات ساختاری در بررسی ارتباط بین نوع دوستی و همدلی با گرایش به معنویت دانشجویان

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۶/۶/۴

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۳/۷

مژگان سپاه منصور<sup>۱</sup>، زهرا مهدوی نجم‌آبادی<sup>۲\*</sup>

### چکیده:

**مقدمه:** پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین نوع دوستی و همدلی با گرایش به معنویت دانشجویان انجام شد.

**روش:** روش پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه‌ی آماری کلیه دانشجویان دانشکده‌ی روان‌شناسی دانشگاه آزاد تهران مرکز است. حجم نمونه بر اساس جدول مورگان تعداد ۳۸۵ نفر (۱۰۲ نفر مرد و ۲۸۳ نفر زن) و روش نمونه‌گیری، در دسترس است. ابزار گردآوری داده‌ها شامل مقیاس خودگزارش‌دهی نوع دوستی راشتون و همکاران (۱۹۸۱)، مقیاس همدلی مهربان و اپستین (۱۹۷۲) و پرسش‌نامه‌ی گرایش به معنویت روبرت کلونینگر (۲۰۰۳) است. تجزیه و تحلیل آماری یافته‌ها با همبستگی و رگرسیون چند متغیره انجام شد.

**یافته‌ها:** نتایج پژوهش حاکی از آن است که بین نوع دوستی و گرایش به معنویت ( $r = 0/139$ ) و بین همدلی و گرایش به معنویت ( $r = 0/412$  و  $sig = 0/000$ ) رابطه‌ی معنادار وجود دارد. کلیه‌ی ابعاد همدلی با متغیر نوع دوستی و گرایش به معنویت رابطه‌ی معنادار داشتند. ضریب رگرسیون نشان داد که نوع دوستی می‌تواند پیش‌بینی‌کننده‌ی مثبت و معنادار گرایش به معنویت باشد. همچنین متغیر همدلی و مؤلفه‌های همدلی مشارکتی، مؤلفه همدلی نسبت به دیگران نیز پیش‌بینی‌کننده‌ی معنادار گرایش به معنویت بودند. در بررسی مدل مفهومی پژوهش هم شاخص‌های برازندگی، برازش مدل و ارتباط بین این متغیرها را تأیید نمود.

**نتیجه‌گیری:** بر اساس نتایج به دست آمده افزایش حس نوع دوستی، همدلی و گرایش به معنویت در بین جوانان از امور ضروری است و هرگونه بهبود در معنویت، می‌تواند بهبود در ارزش‌های نوع دوستانه را به دنبال داشته باشد.

**واژه‌های کلیدی:** نوع دوستی، همدلی، معنویت، دانشجویان.

<sup>۱</sup> دانشیار گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، نویسنده‌ی مسئول:

jr\_researcher2008@yahoo.com

## Modeling Structural Equations in Investigating the Relationship between Sympathy and Empathy with the Desire to Spirituality in University Students

Sepah Mansoor, M.; Mahdavi Najm Abadi, Z.

### Abstract:

**Aim:** The current study was conducted by the aim of investigating the relationship between sympathy and empathy with the desire to spirituality in university students.

**Method:** Research method is descriptive correlational. The study sample includes all students in psychology college in central Azad university of Tehran. The number of sample, based on Morgan table is 385 people (10 men and 283 woman) and the sampling method is available Data collection instrument includes self-report scale for sympathy of Rashton et al (1981), empathy scale of Mehrabian and Epstein (1972) and Robert Cloninger questionnaire for desire to spirituality (2003). Data analysis and statistical analysis were done by correlation and multi-variate regression.

**Result:** The findings suggest that there is a significant relationship between sympathy, the desire to spirituality ( $\text{sig} = 0.006$ ,  $r = 0.139$ ) and between empathy and the desire to spirituality ( $\text{sig} = 0.000$ ,  $r = 0.412$ ). All dimensions of empathy had a significant relationship with sympathy and the desire to spirituality variants. Regression coefficient also confirmed the relationship and indicated that sympathy can be a positive and significant prediction for the desire to spirituality. Additionally, empathy variant, the elements of cooperation empathy and empathy towards others can also significantly predict the desire to spirituality. In investigating the conceptual model of the research, the appropriateness indicates of the study and the relationship between variants were confirmed.

**Conclusion:** based on the findings, the increase in sympathy, empathy and the desire to spirituality among young people is a necessary issue and any kind of improvement in spirituality can lead to developments in emphatic values.

**Keywords:** sympathy, empathy, spirituality, university students

### مقدمه

جامعه‌ی کنونی ما، جامعه‌ای است جوان و چنین جامعه‌ای هر روز شاهد گسترش مراکز آموزش عالی و به دنبال آن، پذیرش جوانان به‌عنوان دانشجوی در مقاطع تحصیلی مختلف است. از جمله وظایف مهمی که انتظار می‌رود دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به آن توجه ویژه داشته باشند،

توجه به ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی، شکوفایی و رشد توانایی‌ها و قابلیت‌های فردی و اجتماعی و کمک به رشد عاطفی، شخصیتی و رفتاری دانشجویان، در کنار کسب علم و دانش است (خالقی و چناری، ۱۳۹۴). از جمله‌ی این ارزش‌ها نوع‌دوستی، همدلی و گرایش به معنویت دانشجویان است.

نوع‌دوستی اساساً یک ارزش والای اجتماعی و یک تکلیف اخلاقی اجتماعی است که تضعیف آن، می‌تواند منجر به اختلال رابطه‌ای در جامعه گردد. از نظر سی رایلت<sup>۱</sup> یکی از مسائل اجتماعی مهم جوامع امروزی، کاهش حس نوع‌دوستی است (الول<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲) که به‌ویژه در جوامع شهری، کاملاً ملموس است (آرونسون، تیموتی و روبین<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲). آگوست کنت<sup>۴</sup> نخستین بار مفهوم نوع‌دوستی را به‌کار برد و معتقد بود در هر انسانی دو نیرو یا انگیزه‌ی مجزا وجود دارد: یکی از آن‌ها معطوف به خود و در تعقیب منافع خود است که خودخواهی است و دیگری معطوف به دیگران و در جهت منفعت دیگران است که نوع‌دوستی است. از نظر کنت، نوع‌دوستی شالوده‌ی زندگی در جامعه است (اسکات و سگلو<sup>۵</sup>، ۲۰۰۷). این مفهوم ترجمه‌ی واژه‌ی آلتروئیسم<sup>۶</sup> است که از ریشه آلترا<sup>۷</sup> به معنای غیر، دیگر و دیگری گرفته شده و بیانگر رفتاری است که هدف آن نفع‌رسانی به دیگران است (سایمونز<sup>۸</sup>، ۱۹۹۱). نوع‌دوستی به معنای انگیزه‌ای ذاتی است که رفتارهای داوطلبانه را به خاطر نفع دیگری برمی‌انگیزاند؛ اعمالی که به خاطر دغدغه‌ی دیگران یا به‌وسیله‌ی ارزش‌ها، اصول و اهداف درونی‌شده برانگیخته شده‌اند و نه به‌واسطه‌ی انتظار پاداش‌های اجتماعی، مادی یا اجتناب از تنبیه (ایزنبرگ و موسن<sup>۹</sup>، ۱۹۸۹).

از جمله رفتارهای نوع‌دوستانه می‌توان به سپهیم شدن، محبت کردن، توجه نشان دادن، همکاری کردن، حمایت کردن، نجات دادن دیگران از خطر و احساس همدلی کردن با دیگران اشاره کرد (الول، ۲۰۰۲). باتسون، دانکان، آکرمن، بوکلی و بیرج<sup>۱۰</sup> (۱۹۸۱) در قالب نظریه‌ی همدلی که عمدتاً معطوف به تبیین ویژگی‌های مردمان نوع‌دوست است، این ویژگی را برحسب توانایی همدردی و میزان همدلی بیان می‌کنند و معتقدند افرادی که در مواجهه با وضعیت‌های اضطراری قادر باشند خود را به جای فرد نیازمند به کمک بگذارند و با فرد نیازمند همدلی کنند،

<sup>۱</sup> Wright Mills

<sup>۲</sup> Elwell

<sup>۳</sup> Aronson, Timothy & Robin

<sup>۴</sup> A.Comte

<sup>۵</sup> Scott & seglow

<sup>۶</sup> Altruism

<sup>۷</sup> Alter

<sup>۸</sup> Simons

<sup>۹</sup> Eisenberg, Mussen

<sup>۱۰</sup> Batson, Duncan, Ackerman, Buckley & Birch

بیشتر محتمل تر است اقدام به رفتار نوع‌دوستانه نمایند. مفهوم همدلی توسط آدلر<sup>۱</sup> ابداع شد و به وسیله راجرز گسترش یافت و به سرعت موردقبول صاحب‌نظران، محققان و مردم قرار گرفت. به قولی دیگر، واژه‌ی همدلی برای نخستین بار در دهه ۱۹۲۰ و به‌وسیله‌ی روان‌شناسی آمریکایی تیچنر<sup>۲</sup> (به نقل از باولک<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳) و برای اشاره به تقلید حرکتی مشاهده‌شده در یک کودک یک ساله پس از مشاهده‌ی آشفتگی در کودک دیگر، به کار گرفته شد. از نظر کارل راجرز<sup>۴</sup> (۱۹۵۹) حالت همدلی و یا همدلی‌نمودن دربردارنده‌ی درک دقیق چارچوب مرجع درونی فرد دیگر، به همراه ابعاد عاطفی آن است. افرادی که در این ابعاد از همدلی بالایی برخوردارند هنگامی که فردی در اطراف آن‌ها مشکل دارد پاسخ عاطفی و هیجانی نشان می‌دهند و در تعاقب آن، درصدد رفع آن مشکل برمی‌آیند. فردی که همدل است، در قبال زندگی و احساسات اطرافیان خود نوع دوستی و همیاری نشان می‌دهد (توماس<sup>۵</sup>، ۲۰۰۲). همدلی<sup>۶</sup> طبق تعریف تامپسون<sup>۷</sup> (۲۰۰۱) پیش‌زمینه‌ی رفتار نوع‌دوستانه است و توانایی تجربه و درک آنچه دیگران احساس می‌کنند، می‌باشد. پژوهش‌های افرادی همچون دیسیتی<sup>۸</sup> (۲۰۱۱)، کونراد، اوپیرین و هزینگ<sup>۹</sup> (۲۰۱۱) و سیگرین و تیلور<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۷) نشان می‌دهد که دغدغه‌های نوع‌دوستی و همدلی به رفتار یاری‌رساندن می‌انجامد. پژوهش‌های متعدد دیگری از جمله تحقیق توماس<sup>۱۱</sup> (۲۰۰۲)، به نقل از علی، آموریم و چامورو-پریموزیک<sup>۱۲</sup> (۲۰۰۹) نیز نشان می‌دهد بین رفتار نوع‌دوستی با حس همدلی رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد. افزایش همدلی باعث تمایل به نوع‌دوستی و کاهش همدلی باعث تمایل بیشتر به بی‌تفاوتی می‌شود. فردی که همدل است، در قبال زندگی و احساسات اطرافیان خود نوع‌دوستی و همیاری نشان می‌دهد. برعکس کسانی که فاقد همدلی‌اند بدون در نظر داشتن سایرین و تأثیر اعمالشان بر آنان، صرفاً به علایق و جاه‌طلبی‌های خود توجه دارند (بلاک<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۰، نقل از علی، آموریم و همکاران، ۲۰۰۹). عمل نوع‌دوستانه زمانی می‌تواند به‌طور قابل اعتماد رخ دهد که توجه همدلانه به دیگری پیشاپیش آن قرار گیرد. توجه همدلانه به‌عنوان یک واکنش هیجانی یا احساساتی از قبیل شفقت، دلسوزی، دل‌رحمی و همدردی تعریف می‌شود

<sup>۱</sup> Adler

<sup>۲</sup> Tichner

<sup>۳</sup> Bavolek

<sup>۴</sup> Rogers

<sup>۵</sup> Thomas

<sup>۶</sup> empathy

<sup>۷</sup> Thompson

<sup>۸</sup> Decety

<sup>۹</sup> Konrath, O'Brien & Hsing

<sup>۱۰</sup> Segrin & Taylor

<sup>۱۱</sup> Tomas

<sup>۱۲</sup> Ali, Amorim & Chamorro-Premuzic

<sup>۱۳</sup> Blouk

(آرنسون و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲)؛ بنابراین می‌توان گفت همدلی، واکنشی درونی است که از وضعیت عاطفی دیگری نشئت می‌گیرد و متناسب با آن وضعیت است (ایزنبرگ و فابس<sup>۲</sup>، ۱۹۹۸). روتچیلد (۲۰۰۶) انواع همدلی را شامل همدلی شناختی، همدلی عاطفی و همدلی جسمانی می‌داند. به‌زعم مهربابیان و ایستین<sup>۳</sup> (۱۹۷۲) همدلی مؤلفه‌هایی دارد که عبارت‌اند از: همدلی واکنشی، همدلی بیانی، همدلی مشارکتی، اثرپذیری عاطفی، ثبات عاطفی، همدلی نسبت به دیگران و کنترل؛ که متغیر همدلی در این پژوهش بر اساس مؤلفه‌های آنان مورد پژوهش قرار گرفت. منظور از مؤلفه‌ی همدلی واکنشی، واکنش نشان دادن به موقعیت احساس برانگیز است. همدلی بیانی نشان‌دهنده‌ی بیان احساسات و نمایش عواطف نسبت به دیگران و جامعه است. سهیم نمودن احساسات و هیجانات خود با دیگری و سهیم شدن در هیجانات و احساسات دیگران را همدلی مشارکتی گویند. همچنین اثرپذیری عاطفی، تجربه‌ی جانشینی آنچه فرد دیگری احساس می‌کند، است. برخی از افراد تمایل دارند که به‌طور کلی در تعاملات خود با دیگران همدلی بیشتری داشته باشند، آن‌ها به‌طور معمول احساس دیگران را بیشتر احساس می‌کنند (احمد<sup>۴</sup>، ۲۰۱۵). مثلاً فرد اگر حس کند افرادی که در کنارش هستند، عصبی‌اند او نیز عصبی می‌شود. ثبات عاطفی بیانگر تحت تأثیر قرار نرفتن در موقعیت احساسات برانگیز است. در این صورت فرد، وضعیت روحی و روانی خود را حفظ نموده و اسیر موقعیت نمی‌شود. مؤلفه‌ی همدلی نسبت به دیگران به معنای توانایی فرد در توجه به مسائل از نگاه دیگران است. چنین فردی می‌تواند احساسات و ارزش‌های دیگران را درک کند و دنیا را از زاویه‌ی دید آن‌ها ببیند و درنهایت، مؤلفه‌ی کنترل نیز حاکی از تسلط یا عدم تسلط بر خود در زمان بروز موقعیت‌های احساسات برانگیز است.

در برخی از پژوهش‌ها از جمله شاخص‌های بسیار مهمی که همبستگی قوی با همدلی در افراد دارد، معنویت و گرایش به امور معنوی است (هوبر و مک دونالد<sup>۵</sup>، ۲۰۱۲). اهمیت معنویت<sup>۶</sup> و رشد معنوی انسان در چند دهه گذشته به‌صورتی روزافزون توجه روان‌شناسان و متخصصان بهداشت روانی را به خود جلب کرده است، به‌گونه‌ای که سازمان جهانی بهداشت در تعریف ابعاد وجودی انسان، به ابعاد جسمانی، روانی، اجتماعی و معنوی اشاره می‌کند و بُعد چهارم، یعنی بُعد معنوی را نیز در رشد و تکامل انسان مطرح می‌سازد (وست، ۱۳۸۳ و هیل و هود<sup>۷</sup>، ۱۹۹۹). واژه‌ی معنویت معانی مختلفی دارد و گاهی با واژه‌ی دین اشتباه گرفته می‌شود. درک این مطلب مهم است که معنویت و دین، واژه‌هایی با مفهوم واحد نیستند، بلکه آن‌ها دو سازه‌ی مرتبط اما مشخص‌اند. درحالی‌که این دو

<sup>۱</sup> Aronson & et al

<sup>۲</sup> Eisenberg and Fabes

<sup>۳</sup> Mehrabian, & Epstein

<sup>۴</sup> Ahmad, Ajaz

<sup>۵</sup> Huber, MacDonald

<sup>۶</sup> Spirituality

<sup>۷</sup> Hill & Hood

واژه به‌عنوان مترادف تعریف می‌شوند، محققان تفاوت بین این دو را تأیید کرده‌اند. زینباور، پارگامنت، ری، باتر و همکارانش<sup>۱</sup> (۱۹۹۷) معتقدند دین در واقع با عضویت رسمی سازمانی، باورها و یا عقاید افراد مرتبط است، درحالی‌که معنویت با نزدیکی به یک موجود برتر و یا احساسی ناشی از ارتباط با جهان و موجودات زنده در ارتباط است؛ معنویت، جست‌وجویی برای دریافت معنایی عمیق از ارتباط زندگی با جهان و خدا است. به‌عبارت‌دیگر، دین شامل اعتقادات و اعمال مرتبط با گروه‌های سازمان‌یافته و مراسم مذهبی است؛ درحالی‌که معنویت، مستلزم احساس تجربه برای معنا و هدف در زندگی است (اسپرانگ اسلیتر و جکس<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲).

تعاریف متعددی از معنویت در ادبیات مدرن ارائه شده است که به‌گونه‌ای به دنبال اتصال بین فرد، جهان و خدا می‌باشند. این تعاریف عناصر مشترکی را مطرح می‌کنند: خوددرونی، جست‌وجویی برای ارزش‌های کلی که خودمحوری را از فرد جدا می‌سازد، همدلی عمیق با تمام موجودات زنده و درنهایت، تمایل به در تماس بودن با منبع زندگی (ماهادوان<sup>۳</sup>، ۲۰۱۳)؛ اما تعریف دیگر، متعلق به پترسون و سلیگمن<sup>۴</sup> (۲۰۰۴) است که معنویت را ارتباط خصوصی و صمیمی بین انسان و خدا می‌دانند و معتقدند دامنه‌ای از فضیلت‌ها نشانه‌ی معنویت است که در زندگی نمایانند و در یک زندگی خوب تجلی می‌یابند. الکینز، هداستورم و هوگز<sup>۵</sup> (۱۹۸۸) معتقدند که معنویت از واژه‌ی لاتین اسپیریتوس<sup>۶</sup> به معنای نقش زندگی یا روشی برای بودن و تجربه کردن است که با آگاهی یافتن از یک بُعد غیر مادی به‌وجود می‌آید و ارزش‌های قابل‌مشخص، آن را معین می‌سازد.

اگرچه در ادبیات پیشین‌الگویی در مورد نحوه‌ی تأثیرگذاری متغیرهای مورد مطالعه بر یک‌دیگر کمتر وجود دارد، اما با توجه به تحقیقات صورت گرفته در این زمینه به‌نظر می‌رسد گرایش به معنویت به‌واسطه‌ی ارتباط با همدلی، با نوع دوستی نیز ارتباط داشته باشد. به‌طور مثال، در پژوهشی که توسط مورگان (۲۰۰۱) انجام شده، مشخص گردیده که افراد دین‌دارتر، نسبت به افرادی که دین‌دار نیستند، دوستانه‌تر به نظر می‌رسند و با دیگران همکاری بیشتری دارند (به نقل از: مردانی و لندانی، کجیاف، قضایی و داوودی، ۱۳۹۴) و با رابطه بین نوع دوستی، همدلی و معنویت دانشجویان آمریکا را هوبر و مک دونالد (۲۰۱۲) انجام داده و یافته‌های پژوهش آنان نشان داد که گرایش به معنویت پیش‌بینی‌کننده‌ی قوی همدلی و نوع دوستی است و تجارب معنوی اثر مستقیم بر نوع دوستی و همدلی دارد. ساسلو، جان، پیف، ویلر و همکاران<sup>۷</sup> (۲۰۱۳) نیز با بررسی دیدگاه‌های جدید درباره‌ی رابطه‌ی مهربانی با نوع دوستی و اهمیت اجتماعی معنویت، طی ۵ مرحله‌ی مطالعاتی، مدل جامعی از معنویت، دین‌داری، شفقت و نوع دوستی ارائه کرده‌اند. بر اساس نتایج این مطالعه، بین

<sup>1</sup> Zinnbauer & Pargament, Rye, Butter, Belavich, et al

<sup>2</sup> Sprung, Sliter & Jex

<sup>3</sup> Mahadevan

<sup>4</sup> Peterson & Seligman

<sup>5</sup> Elkins & Hedstrom, Hughes

<sup>6</sup> Spiritus

<sup>7</sup> Saslow & John, Piff, Willer, et al.

معنویت، دین‌داری، شفقت و نوع‌دوستی افراد رابطه به‌دست آمد و ارتباط بین دین‌داری و شفقت پس از کنترل اثر معنویت معنادار بود؛ بنابراین پژوهشگران استدلال کرده‌اند که معنویت و رفتار نوع دوستانه، پیش‌بینی‌کننده‌ی شفقت است و تمایل افراد معنوی به نوع‌دوستی بیشتر است. برا، بهرا، پاتنایک، چاترجی و همکارانش<sup>۱</sup> (۲۰۱۴) ضمن بررسی رابطه‌ی معنویت، نوع‌دوستی و بخشندگی در هندوستان، نتیجه گرفته‌اند که بین معنویت و نوع‌دوستی و سخاوت رابطه‌ی معناداری وجود دارد. همچنین، زو، سلکوک، مالکوم اسمیت، ماهاسن و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۵) با هدف یافتن ارتباط منفی بین دین‌داری و نوع‌دوستی کودکان سراسر جهان پژوهشی را انجام داده‌اند؛ اما در پژوهش آنان خانواده‌های مذهبی، همدلی بیشتر فرزندانشان را گزارش داده‌اند؛ یعنی نوع‌دوستی کودکان خانواده‌های معنوی بیشتر از خانواده‌های غیر معنوی بود. احمد<sup>۳</sup> (۲۰۱۵) هم به بررسی رابطه بین شخصیت معنوی و همدلی عاطفی دانشجویان پزشکی و طب یونانی پرداخته و به این نتیجه دست یافته که شخصیت معنوی با همدلی ارتباط مثبت دارد و دانشجویان با شخصیت معنوی، نگرش همدلانه‌تری نسبت به بیماران و دیگران دارند. پرسون و کاجونیوس<sup>۴</sup> (۲۰۱۶) همدلی و ارزش‌های جهانی بر اساس تئوری همدلی - نوع‌دوستی را طی دو پژوهش مجزا در آمریکا انجام داده و به این نتیجه رسیدند که همدلی رابطه‌ی قوی با ارزش‌های نوع‌دوستانه دارد و در بین مؤلفه‌های همدلی، تنها مؤلفه همدلی شناختی با نوع‌دوستی معنادار نیست. همچنین ارتباط معنادار بین رفتار نوع‌دوستانه، احساس همدلانه و مسئولیت اجتماعی با شادی دانشجویان ( $p < 0.05$ ) را میزاری علی و دشت بزرگی<sup>۵</sup> (۲۰۱۶) به دست آورده‌اند؛ بنابراین می‌توان گفت در اکثر پژوهش‌های خارج از کشور بین همدلی، نوع‌دوستی و معنویت رابطه‌ی معنادار به دست آمده است. در ایران، یافته‌های پژوهش عباسی و حتی (۱۳۹۵) نقش تعدیل‌گر مقابله‌ی مذهبی مثبت و منفی را در رابطه با همدلی دانش‌آموزان مثبت ارزیابی کرده‌اند. پژوهش مردانی ولدانی و همکاران (۱۳۹۴) بیانگر رابطه‌ی معناداری بین نوع‌دوستی با دین‌داری، جهت‌گیری مذهبی درونی، جهت‌گیری مذهبی بیرونی، باورهای دینی و التزام به وظایف دینی است. در این پژوهش، محققین نتیجه گرفته‌اند که با افزایش میزان دین‌داری در افراد، احتمال اینکه افراد رفتارهای نوع‌دوستانه از خود نشان دهند، افزایش می‌یابد. همچنین نریمانی، صادقیه اهری، اسماعیلی نژاد و سلیمانی (۱۳۹۲) بین نوع‌دوستی، حس همدلی و انگیزه‌ی مسئولیت‌پذیری اجتماعی رابطه‌ی مثبت معناداری به‌دست آورده‌اند. هاشمی، آرین پور و ماشینی عباسی (۱۳۹۲) نیز به بررسی نقش جهت‌گیری اجتماعی بر رفتار اخلاقی با توجه به نقش میانجی نوع‌دوستی پرداخته و نتایج پژوهش آنان نشان داد که با افزایش جهت‌گیری اجتماعی و افزایش نوع دوستی به‌عنوان متغیر میانجی بر میزان رفتار اخلاقی افزوده می‌شود. علاوه بر این، به موازات

<sup>1</sup> Bera & Behera, Patnaik, Chatterjee, at al

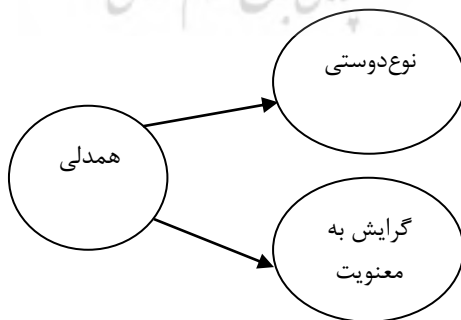
<sup>2</sup> Zhou & Selcuk, Malcolm-Smith, Mahasneh, at al.

<sup>3</sup> Ahmad, Ajaz

<sup>4</sup> Persson, Kajonius

<sup>5</sup> Meyzari Ali, Dasht Bozorgi

افزایش جهت‌گیری اجتماعی بر میزان نوع دوستی افزوده می‌شود. البته برخی از پژوهش‌ها هم رابطه‌ی معناداری بین متغیرهای مورد مطالعه پژوهش به دست نیاورده‌اند. مثلاً احمدی (۱۳۸۸) به بررسی نوع دوستی در روابط روزمره‌ی اجتماعی شهر یاسوج پرداخته و به این نتیجه رسیده که همدلی تأثیری بر نوع دوستی ندارد. از طرفی برخی از محققان نیز ادعان دارند که با بهره‌گیری از آموزه‌های مذهبی و افزایش همدلی می‌توان گرایش به معنویت جوانان را بهبود بخشید (عباسی، ۱۳۸۶)؛ بنابراین گرایش به معنویت می‌تواند از طریق افزایش نوع دوستی و احساس همدلانه توسعه یابد. از طرفی جدا شدن از دین و سبک دینی، بزهکاری‌ها و کج رفتاری‌های مختلفی را جلوی پای جوانان می‌گذارد. دانشجو نیروی نخبه و ستون‌های پیشرفت و تعالی یک کشور است. آنچه او را در مسیر رشد و وظیفه‌شناسی و نهایت بالندگی و مفید بودن برای کشورش کمک کرده و سیر می‌دهد، ریل‌هایی است که زندگی او در آن‌ها جریان پیدا می‌کند؛ آن ریل‌ها همان چیزی است که می‌تواند او را به سرمنزل تعالی و کمالات برساند. آرامش فکری و روحی تنها با ارتباط انسان با مبدأ هستی تأمین می‌شود و طمأنینه لازم برای فراگیری علوم با پی‌ریزی و فونداسیون معنویت در دل انسان ایجاد می‌شود. با توجه به اینکه دانشگاه مهم‌ترین نقش را در دوران زندگی هر دانشجو ایفا می‌کند و بر زندگی آینده دانشجو و اینکه چه رفتارهایی را از خود بروز خواهد داد، بسیار تأثیرگذار است (عنایتی، آراسته و نطفاتی پایانی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲)، بر این اساس، دانشگاه می‌تواند با برنامه‌ریزی‌های مشخص و هدفمند در راه اعتلای ارزش‌های انسانی همانند نوع دوستی، همدلی و معنویت گام بردارد؛ زیرا نزدیک شدن به سلوک‌ها و آداب دینی می‌تواند بستر سالمی را برای رشد یک دانشجو رقم بزند؛ بنابراین توجه به موضوع نوع دوستی، همدلی و معنویت در دانشگاه‌ها و در بین دانشجویان از ضروریات مهم فعلی کشور است. از این رو پژوهش حاضر با هدف بررسی ارتباط بین نوع دوستی و همدلی دانشجویان با گرایش به معنویت آنان، در تلاش جهت پاسخ علمی به این سؤال است که آیا بین نوع دوستی، همدلی با معنویت دانشجویان رابطه وجود دارد یا خیر؟ در این پژوهش ضمن مطالعه‌ی روابط سازه‌های مطرح شده که به کمک پیشینه تحقیق صورت گرفت، مدل مفهومی و فرضیات پژوهش به شکل ذیل ترسیم می‌شود.



<sup>1</sup> Enayati, Arasteh, Nezafati Payani



## شکل ۱- مدل فرضی روابط بین متغیرها در پژوهش حاضر

### روش پژوهش

این مطالعه به لحاظ هدف، در زمره تحقیقات کاربردی و به لحاظ شیوه‌ی اجرای تحقیق، در زمره‌ی تحقیقات توصیفی-همبستگی است که به شکل میدانی صورت گرفته است. جامعه‌ی آماری پژوهش شامل ۶۱۳۲ نفر از دانشجویان رشته‌های روان‌شناسی و علوم اجتماعی دانشکده روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز می‌باشند. از این تعداد ۴۵۰۳ نفر در رشته‌ی روان‌شناسی و ۱۶۲۹ نفر در رشته‌ی علوم اجتماعی تحصیل می‌کنند. حدود ۹۰ درصد از این دانشجویان را دختران تشکیل می‌دهند. به‌منظور تعیین حجم نمونه، از جدول مورگان و کرجسی<sup>۱</sup> استفاده شد؛ و ۳۸۵ نفر به‌عنوان حداقل نمونه‌ی موردنیاز، به دست آمد. نمونه‌ی آماری با روش در دسترس انتخاب شده و با توجه به برآورد حداقل حجم نمونه‌ی آماری، تعداد ۴۰۰ پرسش‌نامه بین دانشجویان توزیع شد. با توجه به پرسش‌نامه‌های جمع‌آوری‌شده، مواردی که فاقد اطلاعات کامل بودند، حذف شد و ۳۸۵ پرسش‌نامه که توسط دانشجویان تکمیل شده بود، مبنای تجزیه و تحلیل قرار گرفت. از افراد شرکت‌کننده در آزمون، ۱۰۲ نفر مرد و ۲۸۳ نفر زن بودند. از این تعداد ۲۲۷ نفر رشته‌ی روان‌شناسی و ۱۵۸ نفر رشته‌ی علوم اجتماعی بوده و ۲۶۲ نفر از اعضای نمونه‌ی آماری، مجرد و ۱۲۳ نفر متأهل می‌باشند.

### ابزارهای پژوهش

در این پژوهش از سه ابزار استاندارد استفاده شده است که عبارت‌اند از:

**الف) پرسش‌نامه نوع دوستی:** مقیاس خودگزارش‌دهی نوع دوستی از جمله مقیاس‌هایی است که راشتون، چریسجون و فیکن<sup>۲</sup> در سال ۱۹۸۱ طی پژوهشی آن را ابداع، اعتبار یابی و معرفی نمودند. این مقیاس شامل ۲۰ گویه در طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت است (بیشتر اوقات، اغلب، بیشتر از یک‌بار، یک‌بار، هرگز). تمامی گویه‌ها مثبت بوده و روش نمره‌گذاری از ۵ امتیاز (بیشتر اوقات) تا ۱ امتیاز (هرگز) می‌باشد. راشتون و همکاران ضریب پایایی این پرسش‌نامه را در پنج گروه مجزا بررسی نموده و ضرایب ۰/۸۴، ۰/۸۳، ۰/۷۸، ۰/۸۷ و ۰/۸۶ به‌دست آورده‌اند. ضریب آلفای کرونباخ کل پرسش‌نامه را راشتون و همکاران ۰/۸۹ گزارش کرده‌اند. در ایران روایی صوری این پرسش‌نامه تأیید شده و پایایی پرسش‌نامه با روش ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۴۳ به دست آمده است (وزیری، ۱۳۹۵). در این پژوهش نیز ضریب آلفا برای این مقیاس ۰/۸۵۷ به دست آمده است.

<sup>1</sup> Morgan & Krejcie

<sup>2</sup> Rushton & Chrisjon, Fekken

**ب) پرسش‌نامه‌ی همدلی مهربانان و اپستین:** برای ارزیابی میزان همدلی افراد از مقیاس همدلی مهربانان و اپستین<sup>۱</sup> (۱۹۷۲) استفاده شد. این مقیاس دارای ۳۳ پرسش است که ۱۷ پرسش آن به صورت مثبت و ۱۶ پرسش دیگر به صورت معکوس طرح شده‌اند. پرسش‌های شماره‌ی ۳، ۴، ۶، ۱۱، ۱۳، ۱۲، ۲۰، ۲۱، ۲۳، ۲۴، ۲۶، ۲۸، ۳۰، ۳۲ و ۳۳ پرسش‌های منفی مقیاس را تشکیل دادند و بقیه‌ی سؤال‌ها، پرسش‌های مثبت را تشکیل می‌دهند. پرسش‌ها به صورت مقیاس پنج‌درجه ای لیکرت از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم طرح شده که به ترتیب امتیازهای ۵ تا ۱ را کسب می‌کنند و در پرسش‌های منفی امتیازها معکوس از ۱ تا ۵ است. این پرسش‌نامه شامل هفت خرده مقیاس است که عبارت‌اند از: خرده‌مقیاس همدلی واکنشی (۶ سؤال)، همدلی بیانی (۵ سؤال)، همدلی مشارکتی (۶ سؤال)، اثرپذیری عاطفی (۶ سؤال)، ثبات عاطفی (۴ سؤال)، همدلی نسبت به دیگران (۴ سؤال) و کنترل (۲ سؤال). ضریب پایایی این مقیاس در پژوهش مهربانان و اپستین ۰/۸۴ به دست آمده است. زرشقای، نوری و عریضی (۱۳۸۹) به بررسی اعتبار و روایی مقیاس همدلی مهربانان و اپستین در ایران پرداخته‌اند. آنان ضریب پایایی پرسش‌نامه همدلی را با روش بازآزمایی ۰/۵۹۹ و ضریب همسانی درونی خرده‌مقیاس‌های آن را به ترتیب همدلی واکنشی ۰/۶۵، همدلی بیانی ۰/۵۰، همدلی مشارکتی ۰/۴۹، اثرپذیری عاطفی ۰/۴۷، ثبات عاطفی ۰/۳۹، همدلی نسبت به دیگران ۰/۴۰ به دست آورده‌اند. آنان معتقدند که مقیاس همدلی برای استفاده در ایران کفایت لازم را دارد. ضریب همبستگی نمره‌ی کل مقیاس با خرده‌مقیاس‌های مستخرج حاکی از روایی نسبتاً مناسب این مقیاس و ضریب بازآزمایی این مقیاس نیز حاکی از اعتبار مناسب این مقیاس بود و در مجموع مقیاسی مناسب برای اقدام‌های پژوهشی به شمار می‌آید. در این پژوهش نیز پژوهشگر به بررسی پایایی پرسش‌نامه توسط روش ضریب آلفای کرونباخ اقدام نموده و ضریب ۰/۶۰ به دست آمد. با توجه به اینکه در پژوهش‌های قبلی و در بررسی اعتبار و روایی این مقیاس نیز ضریب پایایی در همین حدود به دست آمده، بنابراین کفایت مقیاس همدلی در جامعه‌ی آماری بر پژوهشگر محرز شد.

**ج) پرسش‌نامه‌ی میزان گرایش به معنویت:** چارچوب اصلی این پرسش‌نامه، استاندارد متعلق به روبرت کلونینگر<sup>۲</sup> (۲۰۰۳) از روان‌شناسان دانشگاه واشنگتن و نویسنده‌ی کتاب مشهور احساس خوب<sup>۳</sup> است. لیکن سؤالات پرسش‌نامه با توجه به چارچوب معنویت اسلامی در مقاله (مقیم، رهبر و اسلامی، ۱۳۸۶) مورد جرح و تعدیل جدی قرار گرفته است. این پرسش‌نامه ۲۱ عبارت در طیف ۵ درجه‌ای لیکرت دارد که از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم می‌باشد. برای گزینه‌های کاملاً موافق ۵ امتیاز، گزینه موافق ۴ امتیاز، گزینه نظری ندارم، ۳ امتیاز، گزینه مخالفم ۲ امتیاز و برای گزینه کاملاً مخالفم ۱ امتیاز در نظر گرفته می‌شود. کسب امتیاز حداکثری بیانگر این

<sup>۱</sup> Mehrabian, & Epstein

<sup>۲</sup> Robert cloninger

<sup>۳</sup> feeling good: the science of well-being how spiritual are you

واقعیت است که فرد از نظر گرایش به معنویت در وضعیت مطلوبی قرار دارد (مقیمی و رمضان، ۱۳۹۰). روایی و پایایی مناسب این پرسش‌نامه نیز به تأیید متخصصان امر و پژوهشگران قبلی رسیده است؛ مثلاً شول و کمالی (۱۳۹۴) در پژوهش خود ضریب آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه را ۰/۸۲ به دست آورده‌اند. در این تحقیق، پایایی پرسش‌نامه گرایش به معنویت توسط روش آلفای کرونباخ سنجیده شد و ضریب ۰/۸۰ به دست آمد که پایایی قابل قبولی است.

جهت تجزیه و تحلیل آماری یافته‌ها از آمار توصیفی (میانگین، انحراف استاندارد، جداول توزیع فراوانی) و آمار استنباطی (آزمون‌های ماتریس همبستگی و رگرسیون چند متغیره) در نرم‌افزار SPSS ۲۰ و جهت بررسی رابطه‌ی علی متغیرها و مدل‌سازی معادلات ساختاری از نرم‌افزار Lisrel نسخه ۸/۵۰ استفاده شده است.

## یافته‌ها

جدول شماره ۱ ماتریس همبستگی بین متغیرهای مورد مطالعه را نشان می‌دهد. این جدول جهت بررسی متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

جدول ۱- نتایج ماتریس همبستگی بین نوع دوستی و همدلی با گرایش به معنویت دانشجویان

متغیرها	نوع دوستی	همدلی	همدلی واکنشی	همدلی بیانی	همدلی مشارکتی	اثرپذیری عاطفی	ثبات عاطفی	دیگران	همدلی نسبت به کنترل
نوع دوستی	۱								
ضریب همبستگی	۰/۳۸۹**	۰/۱۷۸**	۰/۵۲۸**	۰/۲۱۲**	۰/۵۴۳**	۰/۳۹۳**	۰/۱۵۲*	۰/۱۸	
سطح معناداری	-	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۳	۰/۰۰۰	
گرایش به معنویت									
ضریب همبستگی	۰/۱۳۹*	۰/۴۱۲**	۰/۰۶۹**	۰/۰۷۳**	۰/۳۷۲**	۰/۰۲۳**	۰/۰۴۸**	۰/۱۰۳*	۰/۱۶۸*
سطح معناداری	۰/۰۰۹	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۴	۰/۰۰۱

\*\* P<0/01. \* P<0/05

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که بین نوع دوستی و گرایش به معنویت رابطه‌ی مثبت و معنادار وجود دارد اما از نظر شدت رابطه، این ضریب همبستگی در سطح ضعیفی است (هر چه مقدار

همبستگی به +۱ و -۱ (یا قدر مطلق آن به یک) نزدیک‌تر باشد، در این صورت قوت رابطه بیشتر خواهد بود و هر چه مقدار آن به صفر نزدیک‌تر شود، در این صورت شدت رابطه کمتر خواهد بود). همچنین بین نوع دوستی و همدلی و بین گرایش به معنویت و همدلی نیز با توجه به ضریب همبستگی و سطح معناداری، رابطه‌ی مثبت وجود دارد؛ بنابراین فرضیه‌ی اصلی پژوهش رابطه‌ی نوع دوستی و گرایش به معنویت و همدلی تأیید می‌گردد. در جدول ۲ نتایج میانگین، انحراف معیار بین نوع دوستی، مؤلفه‌های همدلی با گرایش به معنویت دانشجویان ارائه شده است.

جدول ۲- نتایج میانگین و انحراف معیار متغیرها

متغیرها	نوع دوستی	معنویت	گرایش به معنویت	همدلی واکنشی	همدلی بیانی	مشارکتی	همدلی عاطفی	اثرپذیری	ثبات عاطفی	به دیگران	همدلی نسبت	کنترل
میانگین	۷۴/۶۱	۸۵/۷۴	۴۱/۲۰	۵۲/۱۶	۲۴/۲۰	۷۵/۱۸	۱۵/۱۲	۳۳/۱۲	۳۷/۱۶			
انحراف معیار	۱۶/۱۱	۸/۲	۱۵/۴	۳۶/۳	۷۲/۲	۵۰/۲	۸۳/۳	۸۲/۱	۸۷/۱	۴۱/۱		

جدول ۱ و ۲ ضمن گزارش میانگین و انحراف معیار متغیرها، به بررسی همبستگی بین متغیرهای تحقیق می‌پردازند. نتایج جدول‌ها حاکی از وجود رابطه‌ی معنادار بین متغیرهای پژوهش است ( $P < ۰/۰۱$  و  $P < ۰/۰۵$ ). بالاترین ضریب همبستگی مربوط به رابطه‌ی نوع دوستی و اثرپذیری عاطفی ( $r = ۰/۵۴$ ) و ارتباط نوع دوستی با همدلی بیانی ( $r = ۰/۵۲$ ) است. در ارتباط بین گرایش به معنویت با مؤلفه‌های همدلی، بالاترین ضریب همبستگی بین همدلی مشارکتی و گرایش به معنویت به دست آمد ( $r = ۰/۲۷$ ). پس از آن گرایش به معنویت با مؤلفه‌ی کنترل رابطه‌ی معنادار در سطح ( $P = ۰/۰۱$ ) دارد. مؤلفه‌های اثرپذیری عاطفی، همدلی بیانی و ثبات عاطفی با گرایش به معنویت رابطه‌ی معنادار داشته‌اند. در جدول زیر نیز نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره برای پیش‌بینی گرایش به معنویت بر اساس متغیرهای نوع دوستی و ابعاد همدلی آورده شده است.

در جدول بعد B نمایانگر تغییر منتظره‌ی متغیر وابسته به ازای تغییر در متغیر مستقل با ضریب استاندارد نشده است.  $\beta$  نیز نمایانگر تغییر منتظره‌ی متغیر وابسته است که به صورت نمرات استاندارد شده بیان شده است. t جدول برای سنجش معناداری ضریب Beta است. نتایج تحلیل رگرسیون حاکی از آن است که نوع دوستی پیش‌بینی‌کننده‌ی مثبت و معنادار گرایش به معنویت است ( $B = ۰/۲۵۷$  و  $P = ۰/۰۰۰$ ). همچنین متغیر همدلی ( $B = ۰/۰۶۸$  و  $p = ۰/۰۰۰$ ) و مؤلفه‌ی همدلی مشارکتی ( $B = ۰/۳۰۶$  و  $P = ۰/۰۰۰$ ) و مؤلفه‌ی همدلی نسبت به دیگران ( $B = ۰/۱۰۰$  و  $p = ۰/۰۰۰$ ) نیز پیش‌بینی‌کننده‌ی معنادار گرایش به معنویت می‌باشند، اما مؤلفه‌های همدلی واکنشی، همدلی

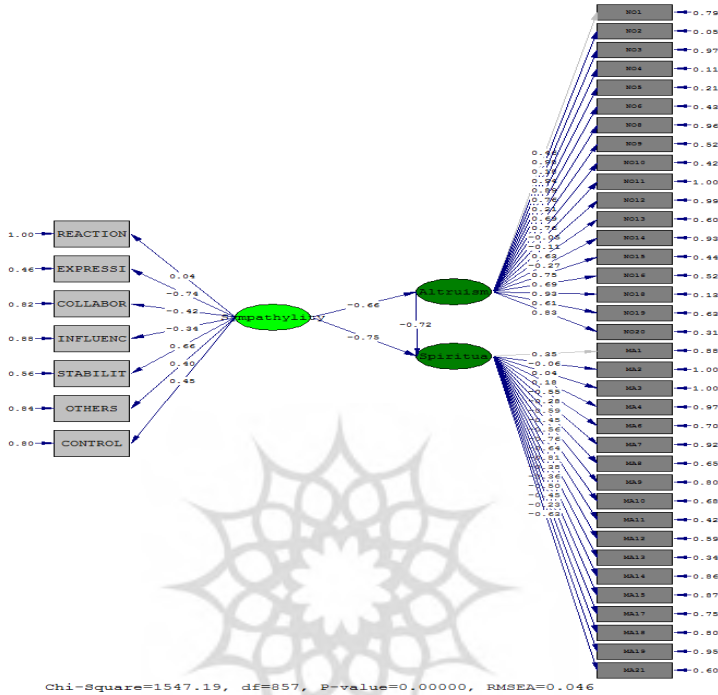
بیانی، اثرپذیری عاطفی، ثبات عاطفی و کنترل نتوانسته‌اند به‌صورت معناداری گرایش به معنویت را پیش‌بینی نمایند؛ به عبارت دیگر تنها چهار متغیر پیش‌بین (نوع دوستی، همدلی، همدلی مشارکتی و همدلی نسبت به دیگران) قدرت توضیح متغیر ملاکی (گرایش به معنویت) را دارند.

جدول ۳- نتایج ضریب رگرسیون بین نوع دوستی و ابعاد همدلی با معنویت دانشجویان

سطح معناداری	t	ضریب استاندارد نشده		ضریب رگرسیون	
		Beta( $\beta$ )	B		
۰/۰۰۰	۱۰/۳۸۷	-----	۷۴/۸۶۸	۷/۲۰۷	مقدار باقی مانده
۰/۰۰۰	۳/۷۱۶	۰/۲۵۷	۰/۲۳۲	۰/۰۶۳	نوع دوستی
۰/۰۰۰	۱/۲۴۷	۰/۰۶۸	۰/۰۷۴	۰/۰۵۹	همدلی
۰/۶۰۸	۰/۵۱۳	۰/۰۳۰	۰/۰۹۱	۰/۱۷۷	همدلی واکنشی
۰/۹۸۴	۰/۰۲۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۵	۰/۲۵۲	همدلی بیانی
۰/۰۰۰	۵/۲۱۴	۰/۳۰۶	۱/۲۳۱	۰/۲۳۶	همدلی مشارکتی
۰/۸۳۳	۰/۲۱۱	۰/۰۱۳	۰/۰۳۵	۰/۱۶۴	اثرپذیری عاطفی
۰/۳۳۴	۰/۹۶۸	۰/۰۶۶	۰/۳۶۳	۰/۳۷۵	ثبات عاطفی
۰/۰۰۰	۱/۷۸۴	۰/۱۰۰	۰/۵۴۱	۰/۳۰۳	همدلی نسبت به دیگران
۰/۵۵۷	۰/۵۸۸	۰/۰۴۲	۰/۳۰۰	۰/۵۱۰	کنترل

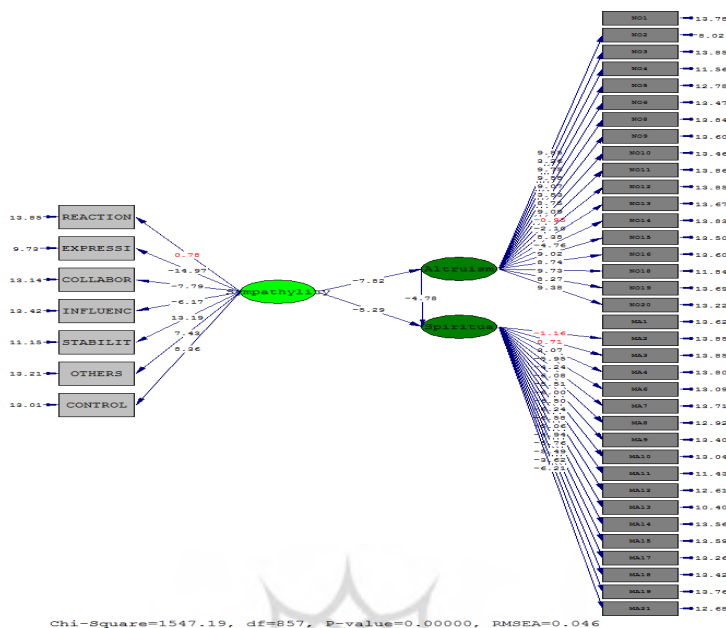
جهت بررسی دقیق‌تر ارتباط بین نوع دوستی و همدلی با گرایش به معنویت دانشجویان از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری نیز استفاده گردید. هدف از این تحلیل، بررسی روابط بین متغیرهای اصلی پژوهش است؛ بنابراین در ابتدا، می‌بایست با استفاده از آزمون تحلیل عاملی تأییدی روایی سازه را مورد آزمون قرار دهیم. آزمون برازندگی در تحلیل تأییدی و مسیر، شاخص RMSEA، یا جذر برآورد واریانس خطای تقریب کمتر از هشت درصد شاخص  $X^2/df$  کمتر از سه و (GFH, CFL, IFI, NNFI) بالاتر از ۹۰ درصد است. مقدار (T-Value) ضرایب معناداری هر متغیر نیز بزرگ‌تر از ۲ و کوچک‌تر از ۲- باشد، مدل از برازش خوبی برخوردار است یا به عبارتی تقریب معقولی از جامعه برخوردار است. همچنین به‌منظور ارزیابی مدل مفهومی تحقیق و همچنین اطمینان یافتن از وجود یا عدم وجود رابطه‌ی علی میان متغیرهای تحقیق و بررسی تناسب داده‌های مشاهده شده با مدل مفهومی تحقیق، متغیرها توسط مدل معادلات ساختاری نیز آزمون شدند. نتایج آزمون متغیرها در نمودارهای زیر منعکس شده‌اند.

برای بررسی رابطه‌ی علی بین متغیرهای مستقل و وابسته و تأیید کل مدل از روش تحلیل مسیر استفاده شده است. نتایج حاصل از خروجی‌های لیزرل نشان می‌دهد که نسبت مجذور کای به درجه‌ی آزادی کمتر از سه است و سایر شاخص‌های برازندگی برازش مدل را مورد تأیید قرار می‌دهند.



شکل ۲- اندازه‌گیری مدل کلی و نتایج در حالت استاندارد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۳- اندازه‌گیری مدل کلی و نتایج در حالت معنادار

### بحث و نتیجه‌گیری

هیچ تردیدی وجود ندارد که در زندگی اجتماعی، تغییرات بنیادی در حال شکل‌گیری است و معنویت یکی از موضوعات اساسی خواهد بود. دلایل ضروری برای بررسی رابطه‌ی معنویت، نوع دوستی و همدلی وجود دارند که یکی از آن‌ها تأثیری است که معنویت بر رفتارهای فردی دارد و دیگری دورنمای زندگی توأم با معنا است. معنویت ماهیت زندگی فردی و اجتماعی را تغییر می‌دهد، افراد را نیرومند می‌سازد و ارتباط بین افراد را در جامعه دگرگون می‌کند. با برخوردارگی از معنویت، ارزش‌های انسانی همچون نوع‌دوستی و همدلی بهبود یافته و می‌توان به آرامش و رضایت باطن و شادی درونی دست یافت و محیط اجتماعی فراهم آورد تا در آن همه اعضای جامعه احساس تنهایی و بی‌کسی را از خود دور کنند. نوع‌دوستی و همدلی و گرایش به معنویت از ضرورت‌های اساسی زندگی امروزی و علی‌الخصوص در جوانان است.

هدف پژوهش حاضر بررسی ارتباط بین نوع‌دوستی و همدلی با گرایش به معنویت دانشجویان بوده است. بر اساس یافته‌های پژوهش، بین نوع‌دوستی و گرایش به معنویت رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد ( $r = 0.139$  و  $sig = 0.006$ ). همچنین بین نوع‌دوستی و همدلی و بین دو متغیر گرایش به معنویت و همدلی نیز با توجه به ضریب همبستگی و سطح معناداری، رابطه‌ی مثبت و معنادار وجود دارد؛ بنابراین رابطه بین نوع‌دوستی و همدلی با گرایش به معنویت تأیید می‌گردد. در

بررسی مدل مفهومی پژوهش هم شاخص‌های برازندگی برازش مدل را مورد تأیید قرار داد و ارتباط بین این متغیرها را تأیید نمود. نتیجه‌ای که به دست آمده با برخی از پژوهش‌ها هماهنگ و همخوان است. به طور مثال پژوهش‌های افرادی همچون دیسیتی (۲۰۱۱)، کونراد و همکاران (۲۰۱۱) و سیگرین و تیلور (۲۰۰۷) نشان می‌دهد که دغدغه‌های نوع دوستی و همدلی به رفتار یاری‌رساندن می‌انجامد؛ یا توماس (۲۰۰۲) نتیجه گرفته که بین رفتار نوع دوستی با حس همدلی رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد. افزایش همدلی باعث تمایل به نوع دوستی و کاهش همدلی باعث تمایل بیشتر به بی‌تفاوتی می‌شود، در این پژوهش نیز بین نوع دوستی و همدلی با ضریب  $0/389$  رابطه به دست آمد. مورگان (۲۰۰۱) نیز چنین نتیجه‌ای را به دست آورده و اعلام نمود که افراد دین‌دارتر، نسبت به افرادی که دین‌دار نیستند، دوستانه‌تر به نظر می‌رسند و با دیگران همکاری بیشتری دارند.

دیگر نتایج تحقیق نیز رابطه‌ی معناداری بین متغیرهای مورد مطالعه و ابعاد همدلی ( $P < 0/01$ ) و  $P < 0/05$  نشان داد. بالاترین ضریب همبستگی مربوط به رابطه‌ی نوع دوستی و اثرپذیری عاطفی ( $r = 0/54$ ) و رابطه‌ی نوع دوستی با همدلی بیانی ( $r = 0/52$ ) است. رابطه بین گرایش به معنویت با مؤلفه‌های همدلی نیز معنادار شد و بالاترین ضریب همبستگی بین همدلی مشارکتی و گرایش به معنویت به دست آمد ( $r = 0/27$ ). پس از آن گرایش به معنویت با مؤلفه‌ی کنترل رابطه‌ی معنادار در سطح ( $P = 0/01$ ) داشت. مؤلفه‌های اثرپذیری عاطفی، همدلی بیانی و ثبات عاطفی هم با گرایش به معنویت رابطه‌ی معنادار داشتند. ضریب رگرسیون هم این ارتباطات را تأیید نموده و نشان داد که نوع دوستی می‌تواند پیش‌بینی‌کننده‌ی مثبت و معنادار گرایش به معنویت باشد. همچنین متغیر همدلی و مؤلفه‌های همدلی مشارکتی، مؤلفه همدلی نسبت به دیگران نیز پیش‌بینی‌کننده‌ی معنادار گرایش به معنویت بودند، اما مؤلفه‌های همدلی واکنشی، همدلی بیانی، اثرپذیری عاطفی، ثبات عاطفی و کنترل نتوانستند به صورت معنادار گرایش به معنویت را پیش‌بینی نمایند؛ به عبارت دیگر چهار متغیر پیش‌بین (نوع دوستی، همدلی، همدلی مشارکتی و همدلی نسبت به دیگران) قدرت توضیح متغیر ملاکی (گرایش به معنویت) را دارند. نتایج به دست آمده با نتیجه‌ی اکثر تحقیقات پیشین همخوانی دارد. به طور مثال، یافته‌های پژوهش هوبر و مک دونالد (۲۰۱۲) هم حاکی از آن است که گرایش به معنویت پیش‌بینی‌کننده‌ی قوی همدلی و نوع دوستی است. ساسلو و همکارانش (۲۰۱۳) هم بین معنویت، دین‌داری و نوع دوستی افراد رابطه‌ای به دست آورده‌اند و این‌گونه استدلال می‌کنند که تمایل افراد معنوی به نوع دوستی بیشتر است. همچنین برا و همکارانش (۲۰۱۴) بین معنویت و نوع دوستی در هندوستان رابطه‌ی معناداری به دست آورده‌اند که با نتیجه‌ی به دست آمده از این پژوهش یکی است. از نظر پرسون و کاجونیوس (۲۰۱۶) همدلی رابطه‌ی قوی با ارزش‌های نوع دوستانه دارد و در بین مؤلفه‌های همدلی، تنها مؤلفه‌ی همدلی شناختی با نوع دوستی معنادار نیست؛ البته در پژوهش ما مؤلفه همدلی شناختی هم با نوع دوستی و هم با گرایش به معنویت معنادار بود. نریمانی و همکاران (۱۳۹۲) هم بین نوع دوستی و حس همدلی رابطه‌ی مثبت معناداری یافته‌اند. عباسی و حجتی (۱۳۹۵)، هاشمی و همکاران (۱۳۹۲) و مردانی و ولدانی و همکاران (۱۳۹۴) نیز



رابطه‌ی معناداری بین نوع‌دوستی و همدلی با دین‌داری گزارش کرده و معتقدند با افزایش میزان دین‌داری در افراد، احتمال اینکه افراد رفتارهای نوع‌دوستانه از خود نشان دهند، افزایش می‌یابد. همچنین زو و همکاران (۲۰۱۵) نتیجه گرفته‌اند که همدلی فرزندان خانواده‌های مذهبی بیشتر است و یا احمد (۲۰۱۵) معتقد است شخصیت معنوی با همدلی ارتباط مثبت دارد و دانشجویان علوم پزشکی با شخصیت معنوی، نگرش همدلانه‌تری نسبت به بیماران و دیگران دارند، در پژوهش حاضر نیز چنین رابطه‌ای تأیید شد؛ اما برخی از پژوهش‌ها، نتیجه‌ای متفاوت به دست آورده‌اند. مثلاً احمدی (۱۳۸۸) از پژوهش خود نتیجه گرفته که همدلی تأثیری بر نوع‌دوستی ندارد اما ما بین همدلی و نوع‌دوستی ارتباط معناداری به دست آوردیم.

در تبیین یافته‌های پژوهش حاضر چنین می‌توان استنباط کرد که یکی از عوامل مهم که در گرایش به معنویت جوانان می‌تواند مؤثر باشد، نوع‌دوستی است. نوع‌دوستی یک ارزش والای اجتماعی و یک تکلیف اخلاقی اجتماعی است که تضعیف آن، می‌تواند منجر به اختلال رابطه‌ای در جامعه گردد. شواهد بیانگر آن است که در ایران، بسیاری از مردم مایل هستند به دیگران کمک کنند، اما به نظر می‌رسد تمایل به نوع‌دوستی در سطوح خرد مانند روابط روزمره اجتماعی، به خصوص در جامعه شهری، در حال کاهش است (احمدی، ۱۳۸۸) و این امر ضرورت بررسی نوع دوستی و افزایش حس نوع‌دوستی را در جامعه ایران آشکار می‌سازد. در راستای نتایج فوق به نظر می‌رسد که افزایش حس نوع‌دوستی، همدلی و گرایش به معنویت در بین جوانان از امور ضروری است. آنچه در عمل از نتایج این پژوهش به‌عنوان پیشنهاد کاربردی می‌توان یاد کرد، تلاش برای بالا بردن معنویت فردی و اجتماعی و ایجاد فرهنگ معنویت‌محور در بین جوانان است. نتایج حاصل از همبستگی میان معنویت و نوع‌دوستی نشان‌دهنده‌ی این است که هرگونه بهبود در معنویت، می‌تواند بهبود در ارزش‌های نوع‌دوستانه را به دنبال داشته باشد. در نتیجه آموزش همدلی و نوع‌دوستی به افراد جامعه از همان ابتدای کودکی و تکمیل این آموزش‌ها در دانشگاه‌ها از رسالت مهم دانشگاه‌ها و مسئولین امر آموزش است. از طرفی گرایش به معنویت و ارزش‌های انسانی مانند نوع‌دوستی و همدلی در جامعه، زمینه‌ساز گسترش رفتارهای نیکوی انسانی و باعث تعالی انسان به سوی کمالات است؛ بنابراین ایجاد فرهنگ معنویت‌محور و توجه به دیگر انسان‌ها و سهیم بودن در مشکلات و گرفتاری‌های دیگران از مهم‌ترین نکاتی است که باید مدنظر قرار گیرد. از این رو پیشنهاد می‌شود با ایجاد فضای دوستانه و همدلی در جامعه و همسوسازی ارزش‌های فردی و اجتماعی در جهت گرایش‌های معنوی برای تقویت روحیه‌ی نوع‌دوستی و همدلی اقدامات لازم انجام شود تا جوانان بتوانند از پیامدهای مثبت چنین جوّی بهره‌مند شوند. بی‌شک در چنین فضایی افراد احساس نزدیکی بیشتری با یکدیگر پیدا می‌کنند و نسبت به جامعه و انسان‌های دیگر متعهدتر می‌شوند و داوطلبانه در جهت کمک به دیگران تلاش می‌کنند.

## منابع

- احمدی، سیروس (۱۳۸۸)، بررسی نوع دوستی در روابط روزمره اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره دهم، شماره ۲، صص: ۸۷-۱۰۸.
- خالقی، نرگس. چناری، مهین (۱۳۹۴)، رابطه هوش اخلاقی با نوع دوستی، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال دهم، شماره ۴، صص: ۶۴-۵۵.
- زرشقای، مسعود؛ نوری، ابوالقاسم؛ عریضی، حمیدرضا (۱۳۸۹)، کفایت شاخص‌های روان‌سنجی نسخه فارسی مقیاس همدلی هیجانی متعادل، مجله روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، جلد ۱، شماره ۱.
- شول، رضا. کمالی، یحیی (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین گرایش به معنویت و اعتماد سازمانی کارکنان در دستگاه‌های اجرایی شهرستان سیرجان. همدان: دومین همایش ملی و دومین همایش بین‌المللی مدیریت و حسابداری ایران.
- عباسی، محمد. حجتی، محمد (۱۳۹۵). بررسی اثرات تعدیل‌کنندگی مقابله‌ی مذهبی مثبت و منفی در رابطه بین استرس ادراک‌شده و همدلی. فصلنامه پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی. سال ششم، شماره ۲۴، صص: ۱۶-۱.
- عباسی، محمد (۱۳۸۶)، عوامل دین‌گریزی و گرایش جوانان به فرهنگ غرب، معرفت، شماره ۱۱۶، سال شانزدهم. صص: ۸۶-۷۷.
- مردانی ولدانی، مریم. کجیاف، محمدباقر. قضایی، مریم. داوودی، ایران (۱۳۹۴)، رابطه نوع دوستی با دین‌داری و جهت‌گیری مذهبی، فصلنامه علمی-ترویجی اخلاق، سال پنجم، شماره ۱۷، صص: ۱۸۲-۱۶۵.
- مقیم، سید محمد. رمضان، مجید (۱۳۹۰)، پژوهشنامه مدیریت: روان‌شناسی سازمانی (جلد ۴)، تهران: راه دان، صص: ۱۸۴-۱۸۳.
- مقیم، سید محمد. رهبر، امیرحسین. اسلامی، حسن (۱۳۸۶). معنویت سازمانی و تأثیر آن در خلاقیت کارکنان (رویکردی تطبیقی). اخلاق در علوم و فناوری. سال دوم، شماره سوم. صص: ۹۸-۸۹.
- نریمانی، محمد. صادقیه اهری، سعید. اسماعیلی نژاد، علی. سلیمانی، اسماعیل (۱۳۹۲)، مقایسه نوع دوستی، حس همدلی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی در افراد داوطلب و غیر داوطلب اهدای خون، فصلنامه پژوهشی خون، دوره ۱۰، شماره ۲. صص: ۱۹۷-۱۹۰.
- وست، ویلیام (۱۳۸۳)، روان‌درمانی و معنویت، ترجمه: شهریار شهیدی و سلطانعلی شیرافکن، تهران: انتشارات رشد.
- هاشمی، تورج. آرن پور، الناز. ماشینی عباسی، نعیمه (۱۳۹۲). بررسی نقش جهت‌گیری اجتماعی بر رفتار اخلاقی با توجه به نقش میانجی نوع دوستی. فصلنامه پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی. سال سوم، شماره ۹. ص: ۱۱۱.

Ahmad, Ajaz (2015), Exploring the Relationship between Spiritual Personality and Emotional Empathy among Medical and Unani Students, The International Journal of Indian Psychology, Volume 2, Issue 3, pp: 152-169.

Ali, F., Amorim, I. S., & Chamorro-Premuzic, T. (2009), Empathy deficits and trait emotional intelligence in psychopathy and Machiavellianism, Personality and Individual Differences, 47(5), 758-762.

Aronson, E., Timothy, D. W., & Robin, M. A. (2002), Social psychology, New Jersey: Prentice Hall, p 388.

Batson, C. D., Duncan, B. D., Ackerman, P., Buckley, T., & Birch, K. (1981), Is empathic emotion a source of altruistic motivation? Journal of Personality and Social Psychology, 40(13), 290-302.

Bavolek, S. (2003), Developing empathy in families, Retrived from: [www.nurturing/parenting.com](http://www.nurturing/parenting.com).

Bera, Saumya. Behera, Kharagpur Rashmi Ranjan. Patnaik, Kharagpur Priyadarshi. Chatterjee, Kharagpur Suhita Chopra (2014), Using Spirituality and Meditation to Reinvent CSR Activities through Dana: Exploring the Potentials, Vol. VII, No. 1, pp: 21-33.

Decety, J. (2011), Dissecting the neural mechanisms mediating empathy, Emotion Review, 3(1), 92-108.

Eisenberg N, Fabes RA. (1998), Pro-social development, In: Damon W, Eisenberg N. (ed), Handbook of child psychology & social, emotional, and personality development (5th ed.), New York: wiley & sons.

Eisenberg N, Mussen P. (1989), The roots of prosocial behaviour in children. Cambridge, England: Cambridge University Press.

Elkins. D. N. Hedstrom, L. J. Hughes. (1988), Toward a humanistic phenomenological spirituality, Journal of humanistic psychology.

Elwell, F. (2002), The sociology of wright Mills, Qualitative sociology, 25(3), 337-43.

Enayati T, Arasteh HR, Nezafati Payani Y. (2012), Relation between awareness about civil rights and social behaviour of students, Ethics in Science and Technology; 7(2): 1-10. (In Persian).

Hill, P. C. & Hood, R. (1999), Measures religiosity, Birmangam, Ala; Religious education press.

Huber, John Thomas. MacDonald, Douglas A. (2012), An Investigation of the Relations Between Altruism, Empathy, and Spirituality, Journal of Humanistic Psychology 52(2) 206-221.

Kajonius, Petri J. Persson, Björn N. (2016), Empathy and universal values explicated by the empathy-altruism hypothesis, The Journal of Social Psychology, Volume, 156. Pp: 1-10.

Konrath, S. H., O'Brien, E. H., & Hsing, C. (2011), Changes in dispositional empathy in American college students over time: A meta-analysis. Personality and Social Psychology Review, 15(2), 180-198.

Mahadevan, B. (2013), Spirituality in business: sparks from the anvil in conversation with suresh hundre, chairman and MD, Polyhydron Pvt. Ltd, IIMB Management Review, 25, 91-103.

- Mehrabian, A., & Epstein, N. (1972), A measure of emotional empathy, *Journal of Personality*, 40, 525-543.
- Meyzari Ali R, Dasht Bozorgi Z.(2016), The Relationship of Altruistic Behavior, Empathetic Sense, and Social Responsibility with Happiness among University Students, *PCP*. 2016; 4 (1):51-56.
- Morgan, D.W & Krejcie, R.V (1970). Determining size for research activities. *Educational and Psychological Measurement*. 30: 607-610.
- Peterson, c., Seligman, M. (2004), *Character strengths and virtues*, Oxford university press.
- Rogers, C. (1959), Significant learning in therapy and in education, *Educational Leadership*, 16(8), 232-242.
- Rothschild, B. (with Rand, M. L.), (2006), *Help for the Helper: The psychophysiology of compassion fatigue and vicarious trauma*, New York, NY: Norton.
- Rushton, Philipee.J. Chrisjon, Roland,F and Fekken, Cynthia.G (1981), The Altruistic Personality and The Self-Report Altruism Scale. *Person, iml:'id. Dil. Vol 2*, pp. 293 to 302.
- Saslow, Laura R.; John, Oliver P.; Piff, Paul K.; Willer, Robb; Wong, Esther; Impett, Emily A.; Kogan, Aleksandr; Antonenko, Olga; Clark, Katharine; Feinberg, Matthew; Keltner, Dacher; Saturn, Sarina R (2013), The Social Significance of Spirituality: New Perspectives on the Compassion-Altruism Relationship, *Psychology of Religion and Spirituality*. Volume 5, Issue 3 (Aug). Pp: 201-218
- Scott, N. Seglow,J (2007), *Altruism*. Newyork, McGraw-Hil.
- Segrin, C. & Taylor, M. (2007), Positive interpersonal relationship mediates the association between social skills and psychological well being, *Personality and Individual Differences*, 43(7), 637-646.
- Simons, R, G (1991), *Altruism and Sociology*, *The sociological Quarterly*, 22-32, 1.
- Sprung, Justin M.; Sliter, Michael T., & Jex, Steve M. (2012), Spirituality as a moderator of the relationship between workplace aggression and employee outcomes, *Personality and Individual Differences*, 53, 930-934.
- Thomas, M. (2002), *Empathy style profile: Mini questionnaire report*. USA, Profiles, page2.
- Thompson, E. (2001), Empathy and consciousness. *Journal of Consciousness Studies*, 8(2), 1-32.
- Zhou, Xinyue. Selcuk, Bilge. Malcolm-Smith, Susan. Mahasneh, Randa. Lee, Kang . Cowell, Jason M. Decety, Jean (2015), The Negative Association between Religiousness and Children's Altruism across the World. Volume 25, Issue 22, p2951-2955, 16 .
- Zinnbauer, B. J., Pargament, K. I., Cole, B., Rye, M. S., Butter, E. M., Belavich, T. G., et al. (1997), Religion and spirituality: Unfuzzing the fuzzy. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 36, 549 – 564.